

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال دوازدهم- شماره اول- بهار ۱۳۹۸- شماره پیاپی ۴۳

سبک‌شناسی اشعار اسماعیل شاهرودی

(ص ۲۷۹-۲۹۷)

امیرحسین همتی^۱ (نویسنده‌مسئول)، لیلا خلیلی صرافی^۲، حسین خسروی^۳

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۹۷

چکیده

اسماعیل شاهرودی (آینده)، در زمینه شعر نوی معاصر از پیشاهنگان و در جریان اشعار سیاسی-اجتماعی یا متعهد تأثیرگذار بود. وی از پیروان ثابت قدم نیما یوشیج بود که به طور جدی در سال ۱۳۲۵ به سرودن و انتشار اشعار خود پرداخته است. پس، برای شناخت دقیقتر و کاملتر شعر معاصر فارسی و سبک این دوره بایسته است، اشعار این شاعر واکاوی شود؛ به همین دلیل، در این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحقیقات نظری و تجزیه و تحلیل متن، سبک فکری، زبانی و ادبی شعر این شاعر بررسی شد و مشخصه‌های اصلی سبک شعری شاهرودی با ذکر بسامد بیان و تحلیل شد و این نتایج حاصل شد که در سطح فکری، شاعر در شعرهای سالهای آغازین خود بسیار متأثر از «تعهد» بوده است و در اشعار دوره‌های بعد از این فضا دور شده است. همچنین شاعر بیشتر از فنون تکرار، کهن‌گرایی، تشبیه، استعاره مکنیه و نمادگرایی در سطح زبانی و ادبی شعرش بهره گرفته است.

کلمات کلیدی: سبک‌شناسی، اسماعیل شاهرودی، سطح فکری، سطح زبانی و ادبی.

^۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ولدشهرکرد (hematiimir80@yahoo.com)

^۲- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ولدشهرکرد (khalili_litrature@yahoo.com)

^۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ولدشهرکرد (h_khosravi2327@yahoo.com)

۱- مقدمه

پس از شهریور سال ۱۳۲۰ خورشیدی، آرام‌آرام شعر فارسی وارد فضای تازه می‌شود. گفتمانهای اجتماعی-سیاسی بسیاری از شعرها را وارد فضایی متعهد میکند و جریانی تأثیرگذار در این زمینه رشد میکند و لابه‌لای بیانیه‌های شعری و دفاعیه‌های ادبی شاعران حضور سیاست، تعهد، خلق، توده و ... که شباهتهایی هم با برخی اشعار دوره مشروطه داشت جا باز می‌کند؛ از سویی دیگر نیز واکنشی غیرمتعهد در شعر در برابر آن شکل می‌گیرد. همچنین شعر نو علی‌رغم مخالفت‌های بسیار، در این دوره بر روی پای خودش می‌ایستد. بنابراین، گروه‌های بسیاری حضور خود در دایره تولید ادبی آن دوره را بر تمرکز بر تعهد و شعر نو تعریف می‌کنند، گروه‌های دیگری هم با واکنش به این کانون، اعلام حضور می‌کنند. در این میان، اسماعیل شاهرودی (آینده) از شاعرانی پیش رو و تأثیرگذار هم در زمینه شعر نو و هم در زمینه شعر سیاسی و متعهد است. از حدود سال‌های ۱۳۲۷ به بعد و کمی قبل از آن، چند شاعر دیگر در عرصه تجدّد ادبی ایران دیده می‌شوند که بیشتر به نیما توجه دارند و تأثیر مستقیم نیما را در کارهای ایشان بیشتر می‌توان دید؛ یکی از این شاعران شاهرودی (آینده) است. (شفیعی کدکنی، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت: ص ۱۲۹؛ امین‌پور، سنت و نوآوری در شعر معاصر: صص ۴۲۴-۴۲۵) پس، شعر شاعر نوپا و جوان آن روزها -شاهرودی- به علت یک‌پارگی مضامین کهنه و توجه به محتوای خاص اجتماعی و انسانی مورد عنایت خاص بنیان‌گذار شعر نو یعنی نیما قرار گرفته است. (زرین‌کوب، چشم انداز شعر نو فارسی: ص ۱۲۹) شاهرودی همچنین، به دلیل نزدیکی زبان و موضوعات شعری خود به مردم و مسائل مردمی به «فرزند حزب» و «شاعر خلق» معروف شده بود. (دستغیب، نقد و بررسی شعر اسماعیل شاهرودی: ص ۳۶) با توجه به مقدمه مذکور مشخص است که شناخت شعر شاهرودی در جریان‌شناسی شعر معاصر فارسی بسیار اهمیت دارد.

برای شناخت آثار ادبی باید ابزاری در اختیار باشد؛ یکی از این ابزارها سبک‌شناسی است. سبک به معنی عام خود، عبارت‌است از تحقق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محصول خویش (اثر منظوم یا منثور) را مشخص می‌سازد. (بهار، سبک‌شناسی، ج ۱: ص ۱۸) از وظایف مهم سبک‌شناسی این است که «ببیند در دوره‌ای معین، انواع سازه‌های بیان کدامند و احساس و اندیشه را چگونه ابراز میدارند.» (غیاثی، درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری: ص ۱۱) فتوحی سبک دوره را صدای یک عصر و نوعی گفتمان میدانند که در شرایط ویژه تاریخی و اجتماعی جریان می‌یابد و هنجارها و الگوهای ساختاری، زبانی، فکری

و ایدئولوژیک خاصی دارد که به واسطه آن‌ها از دیگر دوره‌ها و جریانها متمایز میشود. نگاهی به سبکها و مکتبهای هنری و ادبی در زبانهای مختلف نشان میدهد که چگونه سبکها تحت تأثیر گفتمانهای فلسفی، سیاسی و اجتماعی مسلط بر هر دوره شکل گرفته‌اند. (فتوحی رودمعجنی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها: ص ۸۳) وردانک هم می‌آورد: گزینش‌های آگاهانه یا ناآگاهانه بیان که سبکی خاص را می‌آفرینند همیشه انگیزه‌دار بوده و الهام‌گرفته یا استنباط‌شده از شرایط بافتتیند که نویسنده و خواننده هر دو در آن دخیلند. (وردانک، مبانی سبک‌شناسی: صص ۲۲-۲۳)

۲- اهداف و پرسشهای تحقیق

اهداف این تحقیق عبارتند از: آشنایی با سطح فکری شعر شاهرودی در دوره‌های مختلف و شناخت سطح فکری اشعار وی. آشنایی با جنبه‌های زبانی و ادبی شعر شاهرودی و شناخت جایگاه شاهرودی در شعر معاصر. بنابراین، در این تحقیق به این پرسشها پاسخ داده میشود: درونمایه‌های اصلی شعر شاهرودی در دوره‌های مختلف چیست و سطح فکری اشعار وی چگونه است؟ کیفیت شعر شاهرودی در سطح زبانی و ادبی چگونه است و بسامد فنون زبانی و ادبی در این اشعار به چه شکلی است؟ قوتها و ضعفهای شعر شاهرودی در چیست؟ شاهرودی در شعر معاصر ایران چه جایگاهی دارد؟

۳- پیشینه تحقیق

تنها کتاب نقدی که ویژه شعر شاهرودی باشد از باباچاهی است. باباچاهی در «زیباتری از جنون: زندگی و شعر اسماعیل شاهرودی» در باب شاهرودی و شعرش مطالبی سودمند بیان کرده است و آرا و عقاید شاهرودی در باب شعر را نیز در این کتاب برشمرده است. (باباچاهی، زیباتری از جنون: زندگی و شعر اسماعیل شاهرودی) همچنین در برخی کتابهای نقد و معرفی شاعران و شعر فارسی معاصر نیز مطالبی سودمند درباره شعر شاهرودی یافت میشود: براهنی در جلد دوم کتاب «طلا در مس»، در مطلبی با عنوان «آینده بیگانه روبه‌رو»، ضمن بیان نحوه آشنایی و آغاز دوستی خود با اسماعیل شاهرودی، به بیان برخی ویژگی‌های شعر شاهرودی می‌پردازد. (براهنی، طلا در مس (در شعر و شاعری)) لنگرودی نیز در جلد نخست کتاب «تاریخ تحلیلی شعر نو»، به معرفی اجمالی شاهرودی و شعرش پرداخته و وی را به عنوان شاعری سیاسی معرفی میکند. (لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعر نو، ج ۱: صص ۴۷۶-۴۷۸) همچنین مطالبی سودمند درباره شعر شاهرودی در کتابهای «ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت» (شفیعی‌کدکنی، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط

سلطنت)، «سنت و نوآوری در شعر معاصر» (امین‌پور، سنت و نوآوری در شعر معاصر)، «چشم‌انداز شعر معاصر ایران: جریان‌شناسی شعر ایران در قرن بیستم» (نک. زرقاتی، چشم‌انداز شعر معاصر ایران) دیده می‌شود. مقاله‌های اندکی نیز درباره شعر شاهرودی نوشته شده‌اند که مهمترین آنها مقاله «نقد و بررسی شعر اسماعیل شاهرودی» از دستغیب، ۱۳۸۸: صص ۲۸۱-۲۸۰ است که نویسنده در آن به نقد و بررسی شعر اسماعیل شاهرودی می‌پردازد و شعر شاهرودی را شعری اجتماعی میداند که واقعیت‌های اجتماعی را همراه با آرزوی رسیدن به آینده‌ای روشن بیان مینماید. بنابراین هنوز تحقیقی جامع و مانع درباره سبک شعر شاهرودی عرضه نشده است.

۴- روش تحقیق

بطور کلی، روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای و مبتنی بر تحقیقات نظری و تجزیه و تحلیل متن است. «سبک‌شناسی» در سه سطح «فکری»، «زبانی» و «ادبی» قابل طرح است؛ در سطح «زبانی» و «ادبی» از روش سنتی بهره برده می‌شود و مسائل سبک‌شناسانه بیشتر تکیه بر آرای سیروس شمیسا است.

۵- سطح فکری شعر شاهرودی

۵-۱- مجموعه آخرین نبرد

بنمایه‌های اصلی شعر شاهرودی در مجموعه آخرین نبرد همه از یک شاهراه می‌گذرند و آن شاهراه «امید رسیدن به آینده درخشان با تلاش، مقاومت و مبارزه» است. این آرمان، سبب شده است که مایه‌های امید، آینده‌نگری، تلاش، مقاومت و مبارزه در اشعار مجموعه «آخرین نبرد» برجسته شود و دغدغه اصلی شعر شاهرودی گردد. ترسیم آینده درخشان برای مبارزان و توده مردم بود. شاهرودی در همین دوره با درک ضرورت این مسأله در پی تصویر آینده‌ای متمایز از زمان حال بود. برجستگی این مفهوم در ذهن شاهرودی تا حدی بود که وی لقب شعری خودش را «آینده» برگزید. اما آینده مورد نظر شاهرودی، آینده‌ای بود که در آن استبداد حاکم در ساختار سیاسی جامعه سرنگون شود و طبقه کارگر و زحمت‌کش به آمال خود برسد. گفتنی است تبلیغ آینده‌نگری که در گفتمان ادبی حزب توده رواج یافته بود تا حدود زیادی به تبعیت از رئالیسم سوسیالیستی تبلیغ شده در شوروی بود. بنا بر این نظریه، ادبیات میبایست جانب‌دارانه، حزب‌اندیش، خوش‌بینانه و قهرمانی باشد. قهرمانان شوروی را تصویر کند و آینده را تجسم بخشد. (ایگلتون، مارکسیسم و نقد ادبی: ص ۶۶) ژدائف معتقد بود: رئالیسم سوسیالیستی باید زمان حال را بر اساس آینده تفسیر

کند. (سارتر، مجموعه مقالات وظیفه ادبیات: ص ۱۱۸) در زمان اوج قدرت گفتمانی حزب توده، این حزب حتی مجله‌ها و نشریه‌هایی نظیر «به سوی آینده» را برای ترویج این فکر تأسیس کرده بود. (آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطیت تا انقلاب اسلامی: ص ۲۸۸) به هر روی، در ۲۰ شعر مجموعه «آخرین نبرد» (در حدود ۶۲٪ از شعرهای این مجموعه)، شاهرودی به مفهوم آینده پرداخته است.

از خصوصیات بارز تبلیغات جدید حزب توده ایجاد امید کاذب و تهییج احساسات، بی‌اعتنا به رشد اندیشه بود. (رحیمی، صفحه ای از افکار اجتماعی اخوان: ص ۲۵۴) از ۳۲ شعر موجود در این مجموعه ۲۱ شعر (در حدود ۶۵٪ از شعرهای این مجموعه) دربردارنده مفهوم «امید» است.

رنالیسم سوسیالیستی این عقیده را ترویج میکرد که هنر راحتی‌بخش طبقات زحمتکش بعد از نبرد سنگین آنهاست؛ هنر از آن خلق است و باید به گونه‌ای باشد که خلق آنها را بفهمد؛ هنر باید در روح مبارزه طبقاتی غوطه‌ور شود. (عباس، شعر و آینه: تئوری شعر و مکاتب شعری: صص ۱۱۳-۱۱۴) لنین، خواهان ادبیاتی با موضع طبقاتی آشکار بود و معتقد بود که بیطرفی در نگارش اثر ادبی محال است؛ او تنها ادبیات در پیوند با جنبش طبقه کارگر را مورد نیاز میدانست. (ایگلتون، مارکسیسم و نقد ادبی: صص ۶۸-۶۹) لنین گفته بود: «اخلاق ما از منافع مبارزه طبقاتی پرولتاریا حاصل میشود. اخلاقی که در خدمت این مبارزه قرار دارد، به گونه‌ای است که رنجبران را علیه استثمار متحد میکند.» (کورنفورث، کمونیزم و ارزشهای انسانی: ص ۵۴) در ایران سالهای دهه بیست، همکاری احزاب سیاسی و اتحادیه‌های کارگری در ایران نزدیکتر و آشکارتر شد. (لاجوردی، اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران: ص ۷) شاهرودی نیز بیشتر به سبب تأثر از سبک دوره و گروه حزب توده و بطور کلی گفتمان چپ، در مجموعه «آخرین نبرد» همراهی خود با کارگران را نشان داده است. از نظر کمی، دستکم در حدود ۲۲٪ از اشعار این مجموعه دربردارنده این فکر است. همچنین، ترسیم نبرد مستمر بین طبقات، دسته‌ها و افراد از جمله مؤلفه‌های اصلی گفتمان ادبی رنالیسم سوسیالیستی است (عباس، شعر و آینه: تئوری شعر و مکاتب شعری: ص ۱۱۶) که در ایران نیز به وسیله فعالان گفتمان چپ به کار بسته شد. نویسندگان و شاعران ایرانی در این دوره، به دلیل مشاهده حقوق بشر و بیعدالتی اجتماعی، خود را متعهد به مبارزه علیه حکومت شاه میدانستند. تلقی خواص و روشنفکران و نظریه‌پردازان اجتماعی، این بود که گروهی از برگزیدگان ملت میباید راهنمای مردم برای خروج از بن‌بست مدنی و فرهنگی

باشند. (مجابی، آینه بامداد: طنز و حماسه در آثار احمد شاملو: صص ۱۳۷-۱۳۸) شاهرودی نیز متأثر از سبک دوره و سبک گروهی گفتمان چپ تلاش و کوشش در راه پیروزی، مقاومت در مقابل استبداد و مبارزه در راه آرمان گروهی را در بسیاری از اشعار مجموعه «آخرین نبرد» مدّ نظر قرار داده است. در حدود ۳۵٪ از شعرهای مجموعه «آخرین نبرد» به طور مستقیم دربردارنده این بن‌مایه‌ها است. صلح‌طلبی هم که شعار اصلی نظام شوروی برای پیش‌برد اهداف داخلی و بین‌المللی بود (لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعر نو، ج ۱: صص ۴۳۳-۴۳۴) از مایه‌های دیگر شعر شاهرودی در این مجموعه است. آشکارترین شعرهای دارای این درونمایه، «در راه صلح» و «فاصله» هستند.

۵-۲- مجموعه آینده

بنمایه‌های فکری شعر شاهرودی در مجموعه «آینده» رنگارنگ‌تر و وسیع‌تر از مجموعه (آخرین نبرد) است. در این مجموعه مایه‌های درونکاوانه، عرفانگونه و سیاه‌بینانه شاعر در کنار برخی از مایه‌های مجموعه پیشین بیشتر خودنمایی میکنند و تمرکز فکری شاعر تنها بر یک کانون واحد نیست. از نظر کمی حدود ۱۸٪ از اشعار این مجموعه دربردارنده مایه «تلاش و امید خلق برای رسیدن به آینده درخشان» است. همچنین، در حدود ۷۰٪ از اشعار این مجموعه دربردارنده «تنهایی، یأس، افسوس، شکست و درد همراه با تیره‌بینی» است. مایه‌های «عاشقانه و غنایی» نیز دیگر مایه این مجموعه است که گاهی رنگ ارو تیک هم به خود می‌گیرد. این مایه چندان در مجموعه پیشین شاعر مورد توجه او نبوده است و تنها در ۱۶٪ از شعرهای این مجموعه دیده میشود، ولی نسبت به مجموعه «آخرین نبرد» رشد داشته است. مایه «مسأله توجه به درون و عرفان» است که مانند توجه به محتوای عاشقانه میتواند نشانه سرخودگی از اجتماع و سیاست در دوران پس از کودتا باشد. البته این شیوه تا حدّی هم از سفر شاهرودی به کشور هند تأثیر پذیرفته است. بسامد کاربرد این مایه فکری در اشعار مجموعه «آینده» چیزی در حدود ۲۵٪ است. همچنین شاهرودی نیز به «دفاع از شعر امروزین» پرداخت. اگر چه دفاع او در شعرهای مجموعه «آینده» تنها مختصّ شعر «حرف آخر» بود. شاعر در این شعر به سنتی پردازیهای شاعران در دوره معاصر تاخته است.

۵-۳- مجموعه م و می در سا

شاهرودی در مجموعه «م و می در سا» به طور چشم‌گیری از سبک فکری و شیوه ارائه آنها در دو مجموعه پیشین فاصله می‌گیرد. شاعر، در مجموعه اخیر از شیوه ارائه فکر و ایده‌های شعری رئالیستی و اجتماع‌گرایانه فاصله می‌گیرد و به طور مبهم سعی در نگاشتن

روح و درون خویشتن دارد. در این مجموعه، حدود ۱۶٪ از شعرهای شاهرودی مایه عاشقانه و غنایی دارد. «امید، رهایی و آزادی خواهی» دیگر مایه اصلی این مجموعه است که در حدود ۳۷٪ از شعرهای این مجموعه دیده میشود. علاوه بر این، مایه «سیاه‌بینی و غم‌زدگی همراه با نوعی بیان گزنده و در برخی از شعرها نگاهی به خاطره و گذشته‌ای تاریک و غم‌آلود»، در اشعار این مجموعه وجود دارد. در حدود ۵۳٪ از اشعار این مجموعه در بردارنده این افکار تیره است.

۵-۴- مجموعه هر سوی راه راه راه:

شعر شاهرودی هر چه از نخستین مجموعه با کتاب شعریش (آخرین نبرد) فاصله گرفته است، رویکردهای ذهنی بر شیوه عینی آن مجموعه غلبه یافته است و ابهام همپچنان در این اشعار موج میزند. در مجموعه «آخرین نبرد» این انتظار و آینده‌نگری سوپه‌ای عینی داشت که با امیدی برای تغییر سیاسی-اجتماعی همراه بود، اما در مجموعه «هر سوی راه راه راه...» انتظار برای رسیدن به هدفی ذهنی و البته انسانی‌تر است. در حدود ۳۴٪ از شعرهای این مجموعه مایه انتظار و آینده وجود دارد. درونمایه مربوط به «راه و رفتن» هم در این مجموعه شاهرودی به چشم می‌آید. راهی که شاهرودی در این مجموعه بر آن تأکید میکند، راهی نه چندان روشن ولی فلسفی مینماید. در حدود ۲۵٪ از شعرهای این مجموعه در بردارنده مایه‌های «راه» و «رفتن» است.

۵-۵- مجموعه «آی میقات‌نشین»

مجموعه «آی میقات‌نشین» حاوی دو مایه اصلی و چند مایه فرعی است. نخستین مایه اصلی این مجموعه، همان مفهوم انتظار است که در مجموعه‌های دیگر شاعر نیز رخ نموده و دیگری درونکاو‌بهای روحی خود و بشر که درد انسانی را بازمینمایاند. این مجموعه نیز کاملاً ذهنی است و از عینی‌گراییهای اجتماعی-سیاسی دو مجموعه نخستین شاعر، خبری در آن نیست. مفهوم «انتظار» از مفاهیم اصلی این مجموعه است. از نظر کمی در حدود ۴۲٪ از شعرهای این مجموعه این مایه را داراست. مایه «درونکاو و تجربه‌های روحی» در حدود ۷۵٪ از شعرهای این مجموعه دیده میشود. همچنین در حدود ۵٪ از شعرهای این مجموعه مسأله «تقدیر و قضا و قدر» مفهوم اصلی شعر قرار گرفته است.

۵-۶- مجموعه شعرهای پراکنده

این اشعار که از نظر زمانی، در طی دهه بیست تا پنجاه سروده شده‌اند، طبیعتاً حال و هوا و فضای متفاوتی دارند. مایه‌های فکری اشعار پراکنده شاهرودی از ابتدا تا سال ۱۳۴۰، تقریباً

با مایه‌های فکری مجموعه «آخرین نبرد» و «آینده» یکسان است و درونمایه اشعار پراکنده از ۱۳۴۰ تا پایان عمر شاعر نیز به مانند مایه‌های سه مجموعه آخر شاعر است.

۵-۷- ارتباط شاهرودی با گروه‌های سیاسی و کارکرد تعهد در اشعار او

یکی از اصلیت‌ترین شاهراه‌های فکری شعر شاهرودی «تعهد» است که بویژه در اشعاری که تاریخ سرایش آنها پیش از سال ۱۳۴۰ است، خودنمایی میکند. پس از برکناری رضاخان در سال بیست، تشکلهای سیاسی فعالیت‌های خود را آزادانه‌تر دنبال کردند؛ در این دوران، کشورهای صاحب نفوذ خارجی نیز به اشکال مختلف سعی در تسلط بیشتر سیاسی و فرهنگی در ایران داشتند. در این میان شوروی سهمی عمده برای خود قائل بود؛ در عرصه فرهنگی نیز، تبلیغات و فعالیت‌های سوسیالیست‌های وابسته به شوروی در ایران تا حد زیادی برای آنها ثمربخش بود؛ بنابراین «حزب توده» که مشی فکری سوسیالیستی را دنبال میکرد، بلافاصله پس از تبعید رضاشاه و آزادی زندانیان سیاسی ظهور کرد و تا مدتها با برگزاری گردهماییها و انتشار مجله‌ها و ... اصلیت‌ترین گروه مسلط بر فضای فرهنگی به شمار آمد و گفتمان حزب توده یکی از پرنفوذترین، ساخت‌یافته‌ترین و تأثیرگذارترین گفتمانهای ادبی این دوره شد. اسماعیل شاهرودی نیز در همین دوره شروع به شاعری کرد و با گرایش فراوان به سوسیالیسم و حزب توده، از سبک گروهی و گفتمان حزبی مسلط در آن دوران متأثر شد و به ویژه در سطح فکری، سبک شعرش متعهد به این گفتمان گردید.

شاهرودی در سال ۱۳۲۳ برای کار راهی تهران شد و به کارهای مختلفی در بعضی از روزنامه‌ها پرداخت که از آن طریق با نیما آشنا شد. وی بطور جدی در سالهای ۲۵ و ۲۶ به سرودن و چاپ شعر پرداخته است. پس از آنکه نیما با اشعار خود، نوعی روح تعهد و التزام نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی را در کالبد شعر فارسی دمید، الهام‌بخش و راهنمای بسیاری از شاعران پس از خود شد؛ بطوری که پیروان نیما هم مانند او مسائل اجتماعی و متعهد را وارد شعر کردند و بویژه از طرز نو و نیمایی برای سرودن اشعار متعهد خود بهره بردند. آینده که از نخستین پیروان نیما محسوب میشود، از همان ابتدای کار خود به جریان شعر نو پیوست و از نیمه دوم دهه ۲۰ با حزب توده ارتباط داشت. از این رو، به دلیل نزدیکی زبان و موضوعات شعری خود به مردم و مسائل مردمی به «فرزند حزب» و «شاعر خلق» معروف شده بود. او حتی تخلصش را «آینده» کرده است که با رئالیسم سوسیالیستی مورد نظر نظریه‌پردازان هماهنگ باشد. به هر حال، شاهرودی همیشه در ستیز بود؛ زندگی را برای شعر و شعر را برای زندگی میخواست. او شعری سیاسی را که صدای انسانها بود، میپذیرفت

و از ژرفای رنج و فقر طبقاتی چراغ روشن خورشید را خواهان بود. شعر شاهرودی (آینده) به طور کلی در دایره مسائل اجتماعی حرکت میکند. از همان اشعار نخست او، درک تند واقعیت‌های اجتماعی دریافت میشود و نیز این اشعار آرزوی او را به رسیدن به آینده‌ای روشن و تصوّرات طلایی آشکار میکند. او شاعر آوانگاردی بود که در بحبوحه شعرهای مردمی-سیاسی آن سالها، به تجربه‌های ساختاری و زبانی و حتی موسیقایی جدیدی نیز دست زد. برخی از شعرهای شاهرودی که عمیقاً متأثر از رویکرد متعهدانه اوست، عبارتند از: متهّم، پیمان، آتش جاودان، گلبانگ سحر، روز، نوروز، ای دریا، به سکوتش، فاصله، دروغ، پاداش، زندگی، در راه صلح، دقت، کاروان جنوب، راز، خواب، آهن ربا، باور نمیکنم، آنهاکه... سلام بر استالینگراد، تلاش، بهار از دور، سکوت، ای...، جست و جو، مناجات، حرف آخر، یگه‌سوار و مرگ. پس، شاهرودی که در دوره رشد گروه‌های چپ‌گرا وارد فضای شعری شد با نزدیک شدن به این گروه‌ها، شعرش را به آرمان‌های گروه‌های چپ متعهد ساخت.

۶- سطح زبانی و ادبی شعر شاهرودی

در سبک‌شناسی سنتی غالباً سطح زبانی و ادبی را از هم جدا می‌ساختند. برای نمونه شمیسا سطح زبانی را به سه سطح کوچک‌تر آوایی، لغوی و نحوی تقسیم میکند (شمیسا، کلیات سبک‌شناسی: ص ۱۵۳) و مسائلی همچون وزن عروضی، جناس، سجع، واج‌آرایی و سایر فنون بدیع لفظی را در حوزه زبانی و سطح لغوی قابل بررسی میداند؛ ولی روشن است چنین کاربردهای زبانی، ادبی نیز هستند. همچنین شمیسا در سطح لغوی برخی موارد مانند کهن‌گرایی (آرکائیسیم) را در حوزه زبانی و سطح لغوی جای میدهد (همان: ص ۱۵۴)، حال آن که این کارکرد به عقیده زبان‌شناسان ادبی نیز است. برای نمونه مسائلی همچون تخفیف (کاهش) واج‌ها و واژه‌ها به شیوه قدما، افزایش برخی واژه‌ها به شیوه قدما و... اگر چه کارکردی زبانی است و در سطح زبانی بررسی میشوند، کهن‌گرایی نیز میباشند و در سطح ادبی نیز قابل بررسی هستند. پس شایسته است سطوح زبان و ادبی در سبک‌شناسی تفکیک نشوند.

۶-۱- سطح آوایی و نظم‌آفرین

۶-۱-۱- وزنها و قالب‌های شعر شاهرودی و بهره‌گیری از قافیه‌ها

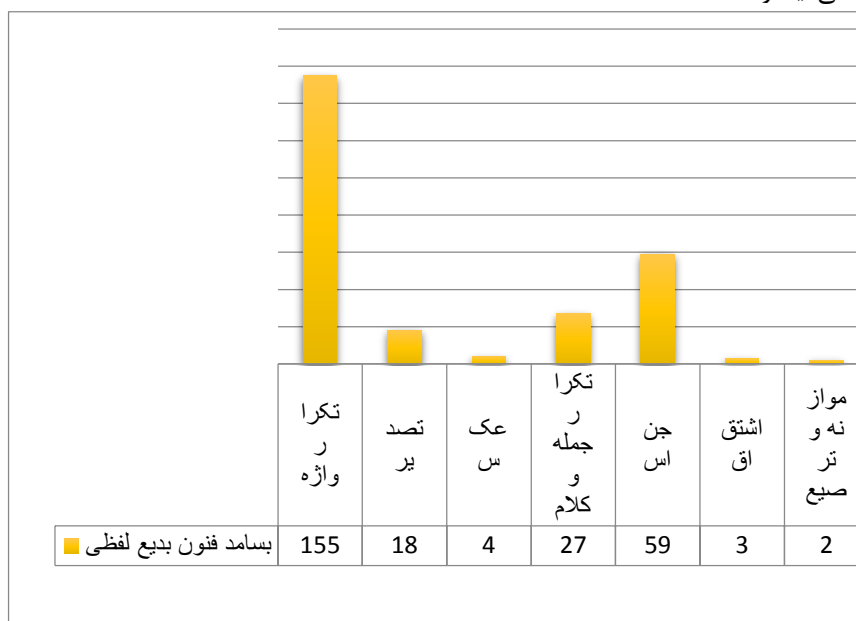
وزن، نظم و تناسب خاصی است در اصوات شعر. (شمیسا، آشنایی با عروض و قافیه: صص ۲۴-۲۳) «از قدیمیترین زمانی که اصطلاح شعر، یا معادل آن در زبانهای دیگر به یکی از انواع هنر اطلاق شده، همیشه مفهوم آن با مفهوم وزن ملازمه داشته است.» (ناتل خانلری،

وزن شعر فارسی: ص ۱۳) زبان‌شناسان نیز وزن را عاملی اساسی و مهم برای نظم‌آفرینی در نوشته میدانند. صفوی معتقد است: در رکن‌بندی اوزان عروضی فارسی الگویی از توازن است. از آن رو که وزن مبتنی بر توازن در بکارگیری هجاهاست، صفوی توازنی که موجب ایجاد وزن میشود را در سطح آوایی قابل بررسی میدانند. (صفوی، از زبان‌شناسی به ادبیات، ج ۱: ص ۱۶۸) شاهرودی در حدود ۳۰٪ از اشعارش از وزن بهره‌ای نبرده است و اقدام به سرودن شعر منثور (سپید) کرده است که طبیعتاً از منظر موسیقی، این اشعار به پای اشعار موزون او نمیرسد. شاهرودی در شعرهای نو یا نیمایی خود که حدود ۳۸٪ از شعرهای او را در برمیگیرد نیز از وزن بهره برده است، ولی در بیشتر این اشعار وزن‌ها دارای سکتۀ عروضی هستند و گاهی با نادیده‌گرفته‌شدن مسائل مربوط به قواعد عروض سنتی وزن شعر از انسجام لازم بی‌بهره میشود. شاعر در نه شعر خود که حدود شش درصد از اشعارش را در برمیگیرد در پی طرح‌ریزی قالبی نوین برآمده است که در هر یک از این اشعار از وزنهای مختلف با طرحهای گوناگون در قافیه و شکل شعری بهره‌برده است. وی ۳۳ شعر در قالب چهارپاره، سه شعر در قالب دو بیتی، یک شعر در قالب مثنوی و یک شعر در قالب قطعه دارد که در بیشتر این اشعار که حدود ۲۶٪ از اشعار او را در برمیگیرد، بکارگیری وزن‌ها بنا به قواعد عروض سنتی انجام شده است.

شاهرودی از قالبهای مهم شعری مانند غزل، اصلاً بهره‌ای نبرد. وی بیشتر در بحر مضارع شعر سروده است. حدود ۴۵٪ از اشعار موزن شاعر در این بحر است. حدود ۲۵٪ در بحر رمل، حدود ۱۱٪ در بحر هزج، حدود ۱۰٪ در بحر خفیف، حدود ۵٪ در بحر مجتث، حدود ۲٪ در بحر منسرح، حدود ۱٪ در بحر متقارب و حدود ۱٪ نیز از اوزان گوناگون در یک شعر بهره گرفته است. پراکندگی بهره‌گیری از وزنهای مختلف در شعر شاهرودی چندان زیاد نیست. شاعر بیشتر شعرهای موزونش را در وزن «مفعول/فاعلات/مفاعیل/فاعلن» سروده است که حدود ۳۴٪ از همه شعرهای موزون او را در برمیگیرد و سپس دو وزن «فعلاتن/فعلاتن/فعلاتن/فاعلاتن» و «فعلاتن/مفاعلن/فاعلن» هر کدام حدود ۱۰٪ و سپس وزن «مفعول/فاعلات/مفاعیلن» حدود ۹٪ از اشعار موزون او را در برمیگیرند. از نظر کاربرد قافیه نیز باید گفت، شاعر در برخی از اشعار اولیۀ خود، دچار اشکال در بکارگیری قافیه میشود؛ برای نمونه میتوان به عیب قافیه از نوع ایطای جلی در شعر «پیت پیت...» و در قافیه قرار دادن «کمتر» و فزونتر» اشاره کرد. (شاهرودی، مجموعه اشعار: ص ۶۸)

۶-۱-۲- آرایه‌های بدیع لفظی:

شاهرودی بیشتر از آرایه‌های بدیع لفظی واج‌آرایی، تکرار، تصدیر، عکس، انواع جناس، اشتقاق، موازنه و ترصیع بهره برده است. نمودار بسامد بهره‌گیری شاهرودی از این ترفندهای لفظی اینگونه است:



شکل ۱- نمودار بسامد آرایه‌های بدیع لفظی در شعر شاهرودی

نکته قابل ذکر درباره فنون بدیع لفظی شعر شاهرودی این است که بیشتر تکرار واژه‌ها مرتبط با مفهوم اصلی هر شعر است و به نوعی تأکیدی بر آن نکته است؛ بنابراین ارزش آن تکرارها دو چندان میشود؛ دیگر اینکه شاهرودی نیز همچون نیما و دیگر شاعران معاصر نوپرداز از امکانات تکرار واژگان و تکرار جمله و کلام برای تقویت بیشتر موسیقی و تأکید بر مفهومی اساسی بهره برده است. از ۵۱ مورد جناس ناقص اختلافی تنها سه مورد در جایگاه قافیه نبود و از پنج مورد جناس ناقص افزایش تنها دو مورد در جایگاه قافیه نبوده است؛ این بدین معناست که شاهرودی چندان در پی هنرآوری در جناس نبوده است و بیشتر به ضرورت قافیه حروفی هماهنگ دیگر به «روی» میافزوده است که جناس هم پدید آید. میتوان گفت حسن اصلی این جناسها در ایجاد قافیۀ بدیعی است و میتوان گفت شاعر إعنات یا لزوم مالایلم در قافیه به کار برده است.

۶-۲- سطح واژگانی و نحوی و شعرآفرین

شاهرودی در شعرهای خود از فنون بدیع معنوی و بیانی مطابق با این جدول بهره برده است:

جدول ۱- بسامد انواع آرایه‌های بدیع معنوی و بیانی در مجموعه‌های شعری شاهرودی

مجموعه‌ها	آخرین نبرد	آینده	م و می در سا	هر سوی راه	آی میقات نشین	شعرهای پراکنده	مجموع
تعداد شعر مجموعه	۳۲	۳۳	۱۹	۱۲	۱۲	۳۴	۱۴۲
تشبیه حسی به حسی	۱۸	۳۷	۷	۳	۵	۱۷	۸۷
تشبیه حسی به عقلی	۰	۱	۲	۰	۰	۲	۵
تشبیه عقلی به حسی	۴۳	۷۶	۱۷	۹	۳	۱۶	۱۶۴
تشبیه عقلی به عقلی	۲	۰	۶	۲	۵	۲	۱۷
مجموع تشبیه	۶۳	۱۱۴	۳۲	۱۴	۱۳	۳۷	۲۷۳
استعاره مصرّحه	۷	۷	۱	۰	۰	۰	۱۵
استعاره مکنّیه تشخیصی	۶۲	۵۲	۲۵	۱۰	۵	۲۳	۱۷۷
استعاره مکنّیه غیر تشخیصی	۱۹	۱۶	۱۶	۲	۵	۱۴	۷۲
مجموع استعاره مکنّیه	۸۱	۶۸	۴۱	۱۲	۱۰	۳۷	۲۴۹
مجموع استعاره	۸۸	۷۵	۴۲	۱۲	۱۰	۳۷	۲۶۴
کنایه	۳۰	۲۷	۱۰	۵	۴	۲۴	۱۰۰

۱۴	۲	۰	۰	۱	۵	۶	متناقض‌نما (پارادوکس)
۲۶	۲	۰	۰	۱	۵	۱۶	تضاد (طباق)
۳	۱	۱	۰	۰	۱	۰	ایهام
۴	۱	۰	۰	۰	۲	۱	ایهام تناسب
۱۳	۲	۱	۰	۱	۶	۳	حس آمیزی
۴	۰	۰	۰	۰	۰	۴	مراعات نظیر (تناسب)
۱۴	۴	۳	۰	۰	۵	۲	تلمیح
۳	۱	۰	۰	۰	۱	۱	استخدام
۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	تضمین (درج)
۴۱	۹	۰	۰	۰	۵	۲۷	نماد
۷۶۰	۱۱۸	۳۵	۳۲	۸۸	۲۴۶	۲۴۱	مجموع آرایه‌ها

شاهرودی در تشبیه، از مجموع ۲۷۳ بار بهره‌گیری از تشبیه، در ۱۵۲ بار تشبیه بلیغ (مؤکد مجمل: نه ادات آمده است، نه وجه شبه)، ۲۷ بار تشبیه «مرسل یا صریح مجمل» (ادات آمده است و وجه شبه نیامده است)، ۲۳ بار تشبیه «مرسل مفصل» (هم ادات تشبیه آمده است و هم وجه شبه) به کار برده است. همچنین بیشترین فراوانی بسامد تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن تشبیه، عقلی به حسی و سپس تشبیه حسی به حسی است. شاعر بیشتر در مجموعه‌های آینده، آخرین نبرد و اشعار پراکنده از تشبیه بهره برده است. دلیل اصلی این امر، نخست، تعداد اشعار بیشتر این مجموعه‌ها و دیگر سنتی‌تر بودن قالب شعری این مجموعه‌هاست. نکته سبک‌شناسانه مهم دیگری که درباره فنون تشبیهی شاهرودی قابل ذکر است، استفاده حدوداً ۷۷ درصدی او از تشبیه بلیغ است که بسیار هنریتر است.

بنا بر استعاره‌های دیده شده در شعر شاهرودی میتوان گفت: شاهرودی به میزان قابل توجهی از استعاره مکنیه بهره برده است و از میان ۲۶۴ مورد استعاره به کار رفته در شعر او، ۲۴۹ مورد مربوط به استعاره مکنیه است؛ یعنی حدوداً ۹۵٪ از استعاره نوع دوم یا مکنیه بهره برده است. از میان ۲۴۹ استعاره مکنیه نیز ۱۷۷ مورد تشخیصی (جاندارانگارانه) است و ۷۲ مورد غیرتشخیصی است. شاعر در اکثر موارد از کنایه بطور خودکار و روزمره و تنها برای انتقال ساده پیام بهره گرفته است و چندان هنری در این زمینه به خرج نداده است.

ذکر این نکته نیز مهم است که نزدیک به همه تضادهای دیده شده در شعر شاهرودی در سطح واژه بوده‌اند و بسیاری نیز تکرار شده‌اند؛ بنابراین شاهرودی در این زمینه چندان هنرآوری و برجسته‌سازی به خرج نداده است.

شاهرودی به ویژه در بسیاری از شعرهای متعهد خود از شیوه نمادگرایی بهره برده است و باید گفت شاهرودی تنها در اشعار متعهدش در مجموعه‌های آخرین نبرد، آینده و اشعار پراکنده از نماد بهره برده است و نمادهای بکار رفته در این اشعار غالباً از راه آشنا بودن با مفاهیم سیاسی و اجتماعی ایران در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۵ میسر میشود. بنابراین، شاهرودی شاعری است که بیشتر به تشبیه‌گرایی دارد و جاندارانگاری، به کنایه گفتن و نمادگرایی از مشخصه‌های دیگر اصلی سبک شعر اوست.

۷- قوتها و ضعفهای شعر شاهرودی

بطور کلی اشعار شاهرودی در زمینه‌هایی موفق بوده است و توانسته در روند شاعری شاهرودی سودمند باشد. در حوزه جذب مخاطبان، شاعر با آشتی دادن مسائل سیاسی و شعری توانست قشر عظیمی از چپ‌گرایان را به خواندن شعر خود ترغیب کند. شاعر که همواره در قسمت نخست زندگی شاعری خود، متعهد به گفتمان چپ بوده است، با بهره‌گیری از زمینه‌های اجتماعی این گفتمان از جمله ترسیم زندگی کارگران، مبارزه با استبداد و... به این مهم دست یافت. همچنین، شاهرودی از نخستین گروندگان و همراهان نیما یوشیج و شعر نو و سپس شعر سپید بوده است و همواره در تثبیت فرم‌های نو در شعر تلاش کرده است و از مهمترین شاعران در این عرصه بوده است.

از نظر زبانی نیز شاعر بیشتر با استفاده از کهن‌گرایی کلام خود را شعری و تأثیرگذار کرده است. شاهرودی از نظر بسامد تقریباً به طور مساوی هم از کهن‌گرایی در حوزه واژگان و حوزه فعل و نحو بهره برده است؛ پراکندگی بهره‌بردن از انواع کهن‌گرایی در حوزه فعل و نحو در شعر او بیشتر از حوزه واژگان است. همچنین، شاعر بیشتر، کهن‌گرایی را با کاربرد واژگان قدیمی انجام داده است و این شیوه را بطور خاص از نشانه‌های اصلی سبک زبانی و ادبی خود کرده است و به طور عام، کل کهن‌گرایی را می‌توان یکی از اصلیتین مشخصه‌های سبکی شعر شاهرودی دانست.

از دیگر قوت‌های شعر شاهرودی میتوان به تلاش برای ساختن واژگان جدید و نو و بکارگیری آن در شعرش اشاره کرد. این عمل، به تقویت زبان فارسی نیز یاری میرساند و شاعران معاصر دیگر مانند مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو هم در این زمینه تلاشهای مفیدی صورت

داده‌اند. شاهرودی نیز لغاتی چون گرمناک، دزدانه، نرم‌نرمک، سردنا، عشق‌آلود، رنج‌فرما، دل‌آویز، اشتباه‌کار، ظاهرآرا، سینه‌کش، پیچ‌پیچ، دوداندود، زندگی‌آموز، گلفشان، غمکده، پشتاپس و ذوبان را که رنگ و بویی جدید دارد در شعرش به کار برده است. سرودن شعرهایی که زیباییهای دیداری دارند از دیگر موارد قوت شعر شاهرودی است. «شاعری همانند موسیقی، هنری است شنیداری و مربوط به گوش اما شکل نوشتاری شعر با چشم هم رابطه دارد و از این نظر همانند نقاشی و پیکرتراشی است؛ یعنی زیبایی‌های دیداری هم در آن نقشی دارد.» (وحیدیان کامیار، بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی: ص ۱۴۰) شاهرودی بیشتر با بهره‌گیری از ترفندهای شعر تجسمی و فراهنجاری نوشتاری دست به زیبایی‌آفرینی دیداری زده است که در این زمینه به توفیق نیز دست یافته است. برای نمونه شاعر برای نشان دادن «پهنا» از نظر محتوا، از لحاظ نوشتاری نیز با کشیده کردن حرف «ه_____» در نوشتار، شعرش را دیداری کرده است. البته شاهرودی بیشتر در اشعار سپید و نوی خود از این شیوه بهره برده است. این شیوه در برخی از اشعار شاعر بسیار متنوع و بدیع است و میتوان به پشتوانه آن، شاهرودی را از نخستین نوآوران در این زمینه به شمار آورد.

دیگر نقطه قوت شعر شاهرودی، نوآوریهای فرمی شاعر است. شاهرودی هم در قالب شعری چهارپاره، هم شعر نو خلاقانه سعی در آزمودن شیوه‌های جدید در فرم شعر بوده است. قالبها و اوزان خودابداعی که گاهی دلنشین نیز افتاده است، از جمله این نوآوریهای شاعر است. دیگر نکته قابل توجه در شعر شاهرودی، موسیقی برخاسته از واژگان و نحو گفتار اوست که بویژه در برخی از شعرهای منثور (سپید) شاعر یاری‌رسان بوده است. بهره‌گیری از تشبیهات بلیغ، نمادپردازی و جاندارانگاری (تشخیص) هم از آرایه‌های بیانی مهم شاعر بوده است که با مهارت خوبی در شعرهای او بکار گرفته شده است.

در کنار نقطه قوت‌های یادشده، شعر شاهرودی در زمینه‌هایی نیز کاستی و ضعفهایی داشته است. وارد شدن شاعر به فضای شعر سیاسی و حزبی اگر چه در مقطعی زمانی برای مطرح شدن شعر شاعر سودمند افتاد، ولی سبب شد شاعر دچار سیاست‌زدگی شعری نیز گردد. نوعی که طرفداری از گفتمانی خاص و شعارگونه شدن اشعار شاعر از عمق فکری شعر شاعر کاسته است و شعر شاعر را محدود به دوره‌ای خاص کرده است. گاهی شاعر حتی جایگاه شعر و سیاست را عوض میکند و از شعر به طور کامل در راستای تحقق اهداف سیاسی بهره میبرد. این طرز برخورد شاهرودی با شعر بیشتر در همان دوره نخست شاعریش دیده میشود

و در شعرهایی که از سال ۱۳۴۵ به بعد سروده شده است، چندان مشاهده نمیشود. شعر شاهرودی در دوره دوم شاعریش (از سال ۱۳۴۵ تا آخر عمر) نیز ضعفهایی داشته است؛ در این دوره گاهی پراکنده‌گویی نامنسجم مفاهیم شعری ساختار شعر او را به هم ریخته است و مخاطب را گریزان کرده است. این مورد بیشتر به سبب نزدیکی شاعر به طرز فکر امثال هوشنگ ایرانی در این دوره حاصل شده است. بهم ریختگی ذهنی شاعر در این دوره، سفر او به هندوستان نیز از دیگر دلایل بروز این شکل شعر اوست. شاید مهمترین ضعف ادبی شعر شاهرودی را بتوان ناتوانی شاعر در ایجاد موسیقی مناسب در بیشتر شعرهای سپید، بکارگیری اشتباه اوزان در شعرهای نو و بهره‌گیری از اوزان تکراری و نه چندان جذاب در شعرهای موزون دانست.

۸- تأثیر شاهرودی و شعرش در جریان شعر معاصر فارسی

شاهرودی به دلایلی چند از شاعران شاخص معاصر ایران است: نخست آن که شاهرودی از نخستین پیروان نیما در دهه بیست بوده است و نقش تأثیرگذار و مهمی در پیشرفت و جاافتادن شعر نو در فضای ادبی داشته است. این شاعر در دوره تثبیت شعر نو با همراهی نیما و طرز تفکر او نقش تأثیرگذاری در این رابطه داشت. دوم اینکه شاهرودی با گرویدن به شعر سیاسی از برجسته‌ترین شاعران گفتمان چپ‌گرای معاصر بود و از جمله شاعران آوانگارد و پیش رو در این زمینه بوده است. شاهرودی و همفکرانش در این عرصه کوشیدند شعر را به سلاحی برای مبارزه تبدیل کنند و همین امر سبب شد یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین جریانهای شعری معاصر یعنی شعر متعهد چپ‌گرا در این دوره قد علم کند. سوم این که شاهرودی به سبب نوآوری‌های فرمی در شیوه نوشتار و سعی در ایجاد فرمهای جدید از شاعران برجسته عصر خود بود. این شیوه، در کنار طرح مسائل ذهنی شکل و فرمی تازه در حوزه شعر فارسی پدید آورد. شکلی که برخاسته از نبوغ و خلاقیت شاعرانی چون شاهرودی بود. چهارم آن که شاهرودی در شیوه شعر منثور هم پیشقدم بود؛ وی با سرودن اشعار فراوانی در این قالب، به تثبیت این نوع شعر هم یاری رساند. پنجم آنکه گرایش شاهرودی به شعرهای مانند هوشنگ ایرانی در دوره دوم شاعریش نیز او را شاخص ساخت. این رویکرد شاعر آشکارا با شیوه او، در دوره نخست شاعریش در تناقض بود، ولی وی با روی آوردن به سبکی جدید در شعرسرایي افقهای جدیدی به روی خود و شعر معاصر فارسی گشود. بنابراین جایگاه شاهرودی در شعر معاصر ایران غیرقابل چشم‌پوشی است، اگر چه شاید شعرهای او در دوره معاصر طرفداران خاص و عام فراوانی نداشته باشد.

۹- نتیجه‌گیری

در سطح فکری مجموعه‌های «آخرین نبرد» و «آینده» که از مجموعه‌های نخستین شاهرودی هستند و شعرهای مربوط به سالهای پیش از ۱۳۴۵ خورشیدی در مجموعه «اشعار پراکنده»، «تعهد» نقش کلیدی دارد و سبب شده است مایه‌هایی همچون «مبارزه با استبداد»، «ترسیم آینده درخشان»، «زندگی فقیرانه و سخت کارگران» و دیگر مفاهیم متعهدانه چشمگیر باشند. اما در مجموعه‌های «م و می در سا»، «هر سوی راه راه» و «آی میقات‌نشین» و اشعار مربوط به پس از سال ۱۳۴۵ خورشیدی در مجموعه «اشعار پراکنده» ذهنی‌گرایی جای عینی‌گرایی را گرفته است و مفاهیمی همچون «کنکاش درونی و روحی»، «عرفان‌گرایی»، «محتوای رمانتیک و عاشقانه» و دیگر مسائل درون‌گرایانه و غیر متعهد بیشتر دیده می‌شود.

از منظر زبانی و ادبی نیز سبک شاعر در زمینه وزن و قالب و قافیه غالباً نوگرایانه است. اشعار نو (نیمایی) شاعر از نظر وزن دچار اشکالاتی است. در آرایه‌های بدیع لفظی، شاهرودی بیشتر از فنون تکرار در واژه و کلام و جناس برای آهنگین کردن زبان خود بهره برده است. در میان فنون بدیع معنوی و بیان نیز تمایل شاعر بیشتر به کهن‌گرایی و تشبیه است و از استعاره مکنیه، نماد و کنایه هم به فراوانی استفاده کرده است. در مجموع باید گفت شاهرودی نقش تأثیرگذار و مهمی در پیشرفت و جاافتادن شعر نو در فضای ادبی معاصر داشته است. وی با گرویدن به شعر سیاسی از برجسته‌ترین شاعران چپ‌گرای معاصر بود و به سبب نوآوری‌های فرمی در شیوه نوشتار و سعی در ایجاد فرم‌های جدید از شاعران برجسته عصر خود بود.

منابع و مأخذ

- ۱- اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران، لاجوردی، حبیب. (۱۳۶۹). ترجمه ضیاء صدقی. تهران: نشر نو.
- ۲- ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). چاپ ششم. تهران: سخن.
- ۳- از زبان‌شناسی به ادبیات، صفوی، کورش. (۱۳۹۰). ج ۱ و ۲. چ ۳. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.

- ۴- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). چاپ هجدهم. ویرایش سوم. تهران: انتشارات فردوس.
- ۵- ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۷). ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی. چاپ دوازدهم. تهران: نشر مرکز.
- ۶- آینه بامداد: طنز و حماسه در آثار احمد شاملو، مجابی، جواد. (۱۳۸۱). چاپ اول. تهران: انتشارات فصل سبز.
- ۷- بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۳). چ ۱. ویرایش ۲. تهران: انتشارات سمت.
- ۸- بیان، شمیسا، سیروس. (۱۳۹۰). چاپ نخست. ویراست چهارم. تهران: نشر میترا.
- ۹- تاریخ تحلیلی شعر نو، لنگرودی، شمس (محمدتقی جواهری گیلانی). (۱۳۷۷). جلد اول (ویرایش دوم، چاپ دوم) و جلد دوم (چاپ اول). تهران: نشر مرکز.
- ۱۰- «ترازنامه، پیش‌درآمد». مجموعه مقالات و وظیفه ادبیات، سارتر، ژان پل. (۱۳۸۹). تدوین و ترجمه از ابوالحسن نجفی. صص ۱۱۳-۱۲۴. چاپ سوم. تهران: نیلوفر.
- ۱۱- چشم‌انداز شعر معاصر ایران: جریان‌شناسی شعر ایران در قرن بیستم، زرقانی، مهدی. (۱۳۹۱). چاپ اول تحریر دوم. تهران: نشر ثالث.
- ۱۲- چشم‌انداز شعر نو فارسی، زرین‌کوب، حمید. (۱۳۵۸). تهران: توس.
- ۱۳- درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری، غیائی، محمدتقی. (۱۳۶۸). چاپ اول. تهران: انتشارات شعله‌اندیشه.
- ۱۴- زیباتری از جنون: زندگی و شعر اسماعیل شاهرودی، باباچاهی، علی. (۱۳۸۷). چاپ اول. تهران: نشر ثالث.
- ۱۵- سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی. (۱۳۷۰). جلد ۱ و ۲. چاپ ششم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۱۶- سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی رودمجنی، محمود. (۱۳۹۱). چاپ نخست. تهران: انتشارات سخن.
- ۱۷- سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین پور، قیصر. (۱۳۸۶). چاپ سوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۸- شعر و آینه: تئوری شعر و مکاتب شعر، عباس، احسان. (۱۳۸۸). ترجمه حسن حسینی. تهران: سروش.

- ۱۹- «صفحه‌ای از افکار اجتماعی اخوان» مجموعه باغ بی‌برگی (مهدی اخوان ثالث)، به اهتمام مرتضی کاخی، رحیمی، مصطفی. (۱۳۷۰)، صص ۲۵۴-۲۵۹. تهران: نشر ناشران.
- ۲۰- طلا در مس (در شعر و شاعری)، براهنی، رضا. (۱۳۷۱). جلد دوم. چاپ اول. بی‌جا: نویسنده.
- ۲۱- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۰). چاپ ششم. تهران: انتشارات فردوس.
- ۲۲- کمونیزم و ارزش‌های انسانی، کورنفورث، موریس. (۱۳۵۸). ترجمه ج. نوایی. تهران: انتشارات علم.
- ۲۳- مارکسیسم و نقد ادبی، ایگلتن، تری. (۱۳۸۳). ترجمه اکبر معصوم بیگی. چاپ اول. تهران: نشر دیگر.
- ۲۴- مبانی سبک‌شناسی، وردانک، پیتر. (۱۳۸۹). ترجمه محمد غفاری. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- ۲۵- مجموعه اشعار، شاهرودی، اسماعیل. (۱۳۹۰). چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- ۲۶- «نقد و بررسی شعر اسماعیل شاهرودی»، دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۸۸). کیهان فرهنگی. شماره ۲۸۰-۲۸۱ (بهمین و اسفند). صص ۳۶-۴۲.
- ۲۷- وزن شعر فارسی، ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۷). چاپ دوم. تهران: انتشارات توس.